

مؤلفه های اساسی دیپلماسی فرهنگی در گسترش ارزش های انقلاب اسلامی ایران

مهدی بذرکار^۱
مصطفی ملکوتیان^۲
علی عسگری یزدی^۳
محمداسماعیل نباتیان^۴

چکیده

ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی یکی از اهداف اساسی انقلاب و زمینه قدرت نرم آن است. این مقاله با مبنا قرار دادن دیپلماسی فرهنگی در صدد تبیین مؤلفه های آن در جهت گسترش جهانی ارزش های انقلاب اسلامی ایران می باشد. سوال اصلی پژوهش این است که انقلاب اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی خود می خواهد چه ارزش و بینشی را با چه روش و برنامه‌ای توسط چه نهاد و سازمانی با کدام کنشگر و کارگزاری، در جهان گسترش بدهد؟ برای تبیین مسئله و پاسخ به این سوال از نظریه هاگر استرند استفاده و عنوان شد که ارزش ها و فرهنگ انقلاب اسلامی با ویژگی های جهان شمولی همچون عدالت خواهی، آزادی خواهی، استقلال طلبی، استکبار و ظلم ستیزی، دفاع از مظلومان و مستضعفان، و ... از طریق ابزارهای مختلف دیپلماسی فرهنگی مانند دیپلماسی: رسانه‌ای، علمی، آموزشی، هنری، گردشگری، مذهبی و زبانی؛ و با استفاده از ظرفیت

mahdibazrkar@ut.ac.ir
mmalakot@ut.ac.ir
asgariyazdi@ut.ac.ir
me.nabatian@ut.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۸

۱ - دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
۲ - استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران
۳ - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
۴ - استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۶/۹

سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مختلف متولی امر فرهنگ؛ و بهره‌مندی از نیروی انسانی کارآمد؛ در صدد ایجاد نظم نوین جهانی و غلبه بر فرهنگ لیبرالیستی غربی می‌باشد.

واژگان کلیدی

دیپلماسی فرهنگی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، قدرت نرم

مقدمه

انقلاب اسلامی و نظامی سیاسی برآمده از آن توانست الگویی مبتنی بر اسلام ناب را در جامعه جهانی تحقق بخشد و به تدریج فرهنگ جدیدی خلق کند و آن را در ایران و جهان بسط و گسترش دهد. منظور از گسترش ارزش‌های انقلاب در اصطلاح یک برنامه و اقدامی از طرف دست-اندرکاران انقلاب در جهت تأثیرگذاری بر جوامع دیگر است که از طریق ایجاد ارتباط و پیوند بخش-های مختلف جامعه ایرانی - انقلابی به وسیله ابزارها و روش‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی با بخش‌های مختلف ملت‌های جامعه هدف، اتخاذ می‌گردد. هدف غایی از این برنامه، انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی به محیط بیرونی می‌باشد. منظور از ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران آن دسته از شعارها و ارزش‌های انقلاب است که ماهیت و ایدئولوژی این انقلاب را شکل می‌دهند و می‌توان آن‌ها را در همه جهان گسترش داد همانند: عدالت، آزادی، استقلال، استکبارستیزی و ... همچنین در دهه‌های اخیر، قدرت نرم و روابط فرهنگی بین‌المللی، از جمله مسائل مهم حکومت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است. روابط فرهنگی پیوندهایی است که میان انسان‌ها در حوزه‌های ملی و فرهنگی به وجود می‌آید که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی است. "یکی از حساس‌ترین مسائل مدیریت استراتژیک فرهنگی، ساز و کار بکارگیری ابزار و ظرفیت‌های فرهنگی برای تأثیر بر افکار عمومی و دولت‌های سایر کشورها در جهت تامین منافع ملی می‌باشد که از آن به عنوان دیپلماسی فرهنگی یاد می‌شود." (اژدری، ۱۳۹۶، ۷۴) انقلاب اسلامی ایران برای تحقق این امر نیازمند ابزارهای مختلفی است که بتواند به بهترین شکل ممکن ارزش‌های خود را به کشورهای مختلف انتقال دهد. در این میان، دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد دارای نقش قابل توجهی در گسترش جهانی مبانی و ارزش‌های انقلاب می‌باشد. بر این اساس،

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که دیپلماسی فرهنگی و مولفه های اساسی آن چه نقشی می تواند در گسترش جهانی مبانی و ارزش های انقلاب اسلامی داشته باشند و با توجه به داشتن پتانسیل و ظرفیت های عظیم دیپلماسی فرهنگی، چگونه می توان از آن ها در گسترش جهانی مبانی و ارزش های انقلاب اسلامی بهره مند شد. ضرورت این تحقیق از آن رو است که ترویج و جهانی سازی مبانی و ارزش های انقلاب اسلامی یکی از اهداف اساسی انقلاب و زمینه قدرت نرم آن است که در اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه های امام خمینی ره و مقام معظم رهبری جایگاه خاصی دارد. همچنین از اهداف این پژوهش نیز می توان به مواردی از قبیل ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، کمک به ادبیات انقلاب اسلامی و تولید محتوا جهت استفاده متولیان سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. این پژوهش با فیش- برداری کتابخانه ای و بررسی اسناد، اطلاعات بدست آمده را طبقه بندی نموده و آن را در چارچوب موضوع طبق روش های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در مسیر اهداف تعیین شده پیش خواهد برد.

در موضوع دیپلماسی فرهنگی مطالعات زیادی صورت گرفته که به عنوان پیشینه تحقیق در این پژوهش مورد بهره برداری قرار گرفته است اما به طور کلی، بعضی از این آثار به نقش فرهنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند که با آنکه بسیار کمک کننده به منظور ما در این پژوهش هستند اما از هدف ما که نقش دیپلماسی فرهنگی در صدور و گسترش انقلاب است متفاوت می باشند. در بعضی از این آثار نیز به نقش دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده که این گونه آثار نگاهی ابزار گونه به فرهنگ در کسب قدرت سیاسی دارند و از نگاه ما که اصالت فرهنگی است متفاوت می- باشند.

چارچوب نظری پژوهش

تحلیل نقش دیپلماسی فرهنگی در صدور فرهنگ انقلاب اسلامی، نیاز به یک چارچوب نظری دارد؛ لذا در این زمینه نظریه «پخش» هاگر استرند که در تحلیل انتشار و اشاعه ایده های فرهنگی و سیاسی بسیار پویاست مورد استفاده شده است. «پخش» عبارت است از فرایندی که بر اساس آن، امری فرهنگی که مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته و مورد پذیرش قرار می گیرد. قبول یک نوآوری و سرعت پذیرش همچون امر فرهنگی در یک کشور، متأثر از متغیرهایی

است نظیر: تفوق آن بر آنچه در جامعه مقصد موجود است؛ سازگاری داشتن با انگاره‌های فرهنگی موجود؛ شناخت سهل و آسان آن؛ و قابلیت آزمون‌پذیری به طور تجربی؛ مزایای آن بر تعداد نسبتاً زیادی از مردم به روشنی قابل مشاهده باشد. (برزگر، ۱۳۹۱، ۳۶)

انواع پخش از نظر هاگر استرند

۱. پخش جابجایی

پخش یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ می باشد که لازمه آن انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. مانند اعزام مبلغان مذهبی، مهاجرت مسیحیان و فرآیند استعمار اروپائیان. در دوره‌های گذشته الگوی پخش غالباً پخش جابجایی بوده است.

۲. پخش سلسله مراتبی (انتشار ریزشی)

پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر و از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد. مانند مد لباس، مد آرایش، کالاهای مصرفی. مثلاً در صدر اسلام با اسلام آوردن رئیس قبیله کل قبیله مسلمان می‌شدند. بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله مراتبی است.

۳. پخش سرایتی یا واگیردار

در این نوع پخش گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد. مانند اشاعه بیماری‌های مسری. (برزگر، ۱۳۹۱، ۳۷)

استرند شش عامل را در پخش یک ایده، اثرگذار می‌داند که عبارت‌اند از:

- (۱) حوزه یا محیط جغرافیایی، که می‌تواند پذیرا - همگرا یا محیط ناپذیرا - واگرا باشد.
- (۲) زمان، بدین معنا که پدیده می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی باشد. براین اساس ممکن است گفته شود هرچه از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران بگذرد، از میزان پذیرش تاثیرات آن کاسته می‌شود. البته این در صورتی است که نوآوری‌های انقلاب اسلامی ایران را منحصر به همان سال ۱۳۵۷ کنیم.

(۳) موضوع پخش، که طیف متنوع و وسیعی را شامل می‌شود که در اینجا «ارزش‌های جهانی

انقلاب اسلامی» است.

(۴) مبدأ پخش، مکان‌هایی که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها و ارزش‌ها باشد.

(۵) مقصد پخش، یعنی مکان‌هایی که محتوا و موضوع پخش به آن‌ها می‌رسد؛

(۶) مسیر پخش، مجاری و ابزارهای انتقال و حرکت موضوع پخش از مبدأ به مقصد است.

(برزگر، ۱۳۹۱، ۴۰)

بنابراین، در نظریه پخش چهار رکن را می‌توان مشاهده کرد: مبدأ پخش، موضوع پخش، مسیر پخش و مقصد پخش. لذا با توجه به چهار رکن نظریه پخش سوال مهم و کلیدی پژوهش این است که انقلاب اسلامی ایران (مبدأ پخش) در دیپلماسی فرهنگی خود می‌خواهد چه ارزش و بینشی را (موضوع پخش)؛ با چه روش و برنامه‌ای، توسط چه نهاد و سازمانی، با کدام کنشگر و کارگزاری (مسیر پخش)؛ و در کجای جهان (مقصد پخش) گسترش بدهد؟

صدور و گسترش جهانی ارزش های انقلاب

نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ارزش ها و آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام شکل گرفته است و این امر ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران را از دیگر نظام‌های حال حاضر جهان، متفاوت می‌کند. اکثر جریان‌های فکری که در قالب انقلاب و یا اصلاحات اجتماعی در جوامع گوناگون مطرح می‌شوند در القای اندیشه‌ها و اعتقادات خود به دیگران می‌کوشند و بسط اندیشه‌های خود را تکلیف و وظیفه‌ای برای وصول به اهداف می‌دانند. مکاتب گوناگون فکری اعم از اندیشه‌های مارکسیستی و یا لیبرالیستی در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و اجتماعیات همواره در این راستا کوشیده‌اند. در انقلاب اسلامی ایران که متمایزترین انقلاب هزاره اخیر می‌باشد، انگیزه الهی و اهداف اسلامی مهم‌ترین فصل تمایز انقلاب ملت ایران از دیگر انقلاب‌هاست. «ما مدعی هستیم که انقلاب ما در عالم نظیر نداشته است برای اینکه اسلامی بوده است. و چون اسلامی بود و تمام افراد ملت شرکت در این امر داشتند، یک انقلابی نبود که یک حکومتی بیاید و حکومتی را ببرد، یا یک نظامی بیاید و یک حکومتی را ساقط کند. آن طور نبود. یک ملتی قیام کرد و ملتی که اسلامی بود، ملتی که خودش را پایبند اخلاق و پایبند اسلام می‌دانست و می‌داند، اینها قیام کردند و حریف خودشان را بیرون کردند و غلبه کردند.» (امام خمینی، ۱۱، ۱۴۵)

وقتی یک انقلاب از آموزه‌های دین جامع و جهان‌شمولی چون اسلام منبعث می‌شود و حتی اصل حرکت نهضت و انقلاب از سوی رهبر انقلاب به عنوان یک تکلیف دینی و انسانی مطرح می‌شود، بنابراین طبیعی است که گسترش انقلاب تا جایی که در توان انقلابی‌ها باشد، تکلیفی همیشگی فرض خواهد شد؛ «نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است.» (امام خمینی، ۱۰، ۴۴۶) «صدور انقلاب، به معنای صادر کردن ارزش های

انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کردیم.» (بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۹/۰۴/۱۳۶۸) و طبق گفته بنیان‌گذار انقلاب، این انقلاب فرهنگی و اسلامی است و گسترش جهانی آن نیز باید از راه‌های فرهنگی انجام شود. «ما می‌خواهیم این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم» (امام خمینی، ۱۳، ۹۱)

دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی در واقع فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی نهادها و سازمان‌ها و دولت‌ها می‌باشد و قطعا ابزارها و مکانیسم‌های متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان به کار گرفت. ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی سه حوزه سنتی و کلاسیک در عرصه دیپلماسی بین‌المللی است که سیاست خارجی کشورها در آن اعمال می‌شود. اما در دهه‌های اخیر فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که به جرأت می‌توان گفت که لایه زیرین سه عنصر دیگر نیز می‌باشد. (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ۱۰۸)

در تعریف میلتون کامینز دیپلماسی فرهنگی به معنای مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها می‌باشد. (Cummings Milton, 2003) در عالم سیاست و روابط بین‌الملل دیپلماسی فرهنگی را، مجموعه قواعد و ضوابط و شیوه‌ها و اصولی می‌دانند که با کمک ابزارها و روش‌های فرهنگی نسبت به انتقال پیام‌های ملی فرهنگی اقدام می‌شود و منافع ملی را به تحقق نزدیک می‌کند. (احمدی، ۱۳۹۷، ۱۶)

در مجموع و در یک تعریف منتخب و مختصر می‌توان گفت: دیپلماسی فرهنگی بکارگیری ابزار و ظرفیت‌های فرهنگی برای انتقال پیام‌های ملی جهت تأثیر بر افکار عمومی سایر کشورها می‌باشد.

دیپلماسی فرهنگی به عنوان جزیی از دیپلماسی عمومی از ارکان قدرت نرم به‌شمار می‌رود که در تعاملی سازگار و هم‌افزا با سایر ارکان قدرت ملی کشور قابل تشریح است. به طور کلی، آن چه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم، بر می‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران و ... می‌باشد.

قدرت نرم یعنی توانایی در جذب و ایجاد جاذبه برای دیگران. قدرت نرم توانایی هدایت دیگران به خواستن و پیگیری اهدافی که ما می‌خواهیم از طریق شکل‌دهی به ارجعیت‌ها یا قدرت گفتمانی است. فرهنگ فقط آن چیزهایی نیست که تعریف می‌کنیم، فرهنگ یعنی آن چیزی که همه جامعه را در بر گرفته و ما اگر بتوانیم از طریق فرهنگ کشورهای دیگر را به جمهوری اسلامی ایران جذب کنیم، این همان تعریف دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم است. دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزار بسط و گسترش این انقلاب فکری و فرهنگی، با مطالعات، تحلیل پژوهش‌های موجود و تجربیات چهار دهه اخیر؛ (قربانی و محمدی، ۱۳۹۶، ۲۹) دارای چهار مؤلفه اساسی می‌باشد که می‌تواند در پخش ارزش‌های انقلاب اسلامی در جهان مفید اثر باشد:

۱. مؤلفه‌های ارزشی - بینشی. ۲. مؤلفه‌های روشی - برنامه‌ای. ۳. مؤلفه‌های نهادی - سازمانی. ۴. مؤلفه‌های کنشگری - کارگزاری

۱. مؤلفه‌های ارزشی - بینشی

همان‌طور که قبلاً گفته شد بر اساس نظریه استوان، برای تولید و انتشار یک پیام و ایده فرهنگی در یک جامعه، چهار رکن وجود دارد. این ارکان عبارت‌اند از: مبدأ، مقصد، موضوع و مسیر انتشار. بنابراین نظریه موضوع پخش مسئله و رویدادی است که از یک حوزه به دیگر مناطق نشر می‌یابد، که می‌تواند نوآوری‌های فنی و علمی، یافته‌های جدید کشاورزی و تولیدی، پدیده‌های اجتماعی چون رفتار، گویش و مد لباس و امراض و بیماری‌های واگیر و یا فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی نظیر انقلاب‌ها باشد. موضوع پخش در این انقلاب مؤلفه‌های ارزشی - بینشی جهانی یا همان پیام‌های ارزشی انقلاب ایران برای جهانیان می‌باشد و در واقع جواب به این سوال است که چه چیز را می‌خواهیم جهانی کنیم؟ در واقع مهمترین قسمت در دیپلماسی فرهنگی این است که ما چه پیامی را می‌خواهیم به وسیله ابزارهای مختلف فرهنگی به مخاطبین گوناگون خود در سراسر جهان ارسال نماییم. اما قبل از پاسخ به این سوال باید عنوان کنیم که مخاطبین پیام‌های ما در جهان چه کسانی هستند و ارزش‌های این انقلاب را در کجا می‌خواهیم گسترش دهیم و جهانی کنیم؟ یعنی باید مقصد پخش را تعیین کنیم و تبیین کنیم که مخاطبین ما چه کسانی هستند و ارزش‌های این انقلاب را به کجا می‌خواهیم گسترش دهیم؛ زیرا پیام‌های ما نسبت به مخاطبین مختلف در جهان کمی متفاوت خواهد بود و متناسب با مقصد و محیط هدف ارزش‌های فرهنگی صادره نیز فرق خواهد کرد. بعضی محیط‌های مقصد در مقابل پیام‌های صادره از مبدأ همگرا و پذیرا و بعضی واگرا و

ناپذیرا هستند. در جواب مقصد پخش باید اذعان داشت که جوامع و ساختارهای انسانی اعم از دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی، دینی و غیر دینی، مذهبی و غیر مذهبی می‌توانند مخاطب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باشند. اما در مجموع و به طور خاص می‌توان این مخاطبین را به سه دسته تقسیم نمود:

الف: جامعه جهانی (انسان‌ها)

ب: جهان اسلام (مسلمانان)

ج: جهان تشیع (شیعیان)

لذا با توجه به مقصد پخش یعنی مخاطبین (جهانیان، مسلمانان، شیعیان)، موضوع پخش یعنی پیام‌ها، شعارها، ارزش‌ها و بینش‌های انقلاب اسلامی ایران نیز شامل سه دسته کلی می‌باشند که با توجه به هر یک از جوامع مخاطبین، این پیام‌های انقلاب نیز متفاوت و مختلف خواهد بود.

الف: پیام‌های مشترک جوامع انسانی

۱. توحید
۲. استقلال‌طلبی
۳. آزادی‌خواهی
۴. عدالت‌خواهی
۵. برادری و برابری انسان‌ها
۶. ظلم ستیزی
۷. استکبار ستیزی
۸. حمایت از مستضعفان عالم
۹. ایجاد نظم نوین جهانی
۱۰. ایجاد نظم نوین جهانی
۱۱. ترویج اخلاقیات
۱۲. ترویج معنویت‌گرایی
۱۳. ترویج ایمان به خدا و سبک زندگی دینی
۱۴. ترویج مکتب اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی

ب: پیام‌های مشترک جوامع اسلامی

۱. ترویج وحدت اسلامی
۲. ترویج فرهنگ قرآن و عترت
۳. ترویج سبک زندگی اسلامی
۴. ترویج انتظار و مهدویت
۵. ترویج مردم‌سالاری دینی
۶. وجوب تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی

ج: پیام‌های مشترک جوامع شیعی

۱. ترویج مکتب تشیع اصیل
۲. تبیین مفهوم انتظار و مهدویت در معارف شیعی
۳. ترویج عدم جدایی دین از سیاست
۴. معرفی مدل حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه
۵. معرفی فرهنگ ایثار و شهادت و شجاعت

۲. مؤلفه‌های روشی - برنامه‌ای

اما در دیپلماسی فرهنگی مهمترین سوال این است که این پیام‌ها را باید با چه روش و برنامه‌ای به این مخاطبین ارسال نمود؟ در واقع پاسخ به این سوال که چگونه می‌خواهیم مبانی و ارزش‌های انقلاب را جهانی کنیم، همان پاسخ به مسیر پخش در نظریه هاگر استرند است. در این مسیر پخش و چگونگی گسترش انقلاب، انواع روش‌ها و سازوکارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را می‌توان تصور کرد. اما چون آنچه می‌خواهیم به جهانیان انتقال دهیم از جنس اندیشه و فرهنگ می‌باشد لذا برای گسترش مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی به سراسر جهان ما نیازمند به ابزارهای فرهنگی و یک دیپلماسی فرهنگی مناسب فعال هستیم. روش‌هایی که از جنس فرهنگ و قابلیت‌های فرهنگی در خدمت دیپلماسی فرهنگی می‌باشند را می‌توان در چارچوب زیر دسته‌بندی کرد: دیپلماسی رسانه‌ای؛ دیپلماسی علمی و آموزشی؛ دیپلماسی هنری؛ دیپلماسی ورزشی؛ دیپلماسی گردشگری؛ دیپلماسی مذهبی؛ دیپلماسی زبانی؛

۱-۲ دیپلماسی رسانه‌ای

شامل: تلویزیون، رادیو، اینترنت، شبکه‌های مجازی، روزنامه، نشریه و ...

دیپلماسی رسانه‌ای از مباحث جدید در سیاست خارجی است و در چهار دهه گذشته کم‌کم جای خود را در عرصه بین‌المللی باز کرده است. این واژه را نخستین بار آمریکایی‌ها به کار بردند. زیرا به این نتیجه رسیدند که به جای استفاده از نیروی نظامی برای پیشبرد اهدافشان می‌توانند از رسانه‌های فراملی و برون مرزی استفاده کنند. (سلطانی فر و خان زاده، ۱۳۹۲، ۱۸۶) دیپلماسی رسانه‌ای از طریق فعالیت‌های متعدد رسانه‌های عادی و ویژه، پیگیری می‌شود که این فعالیت‌ها شامل کنفرانس‌های مطبوعاتی، مصاحبه‌ها، دیدار سران حکومت‌ها و میانجی‌گران در کشورهای رقیب و رویدادهای رسانه‌ای برانگیزاننده است که برای گشودن عصری جدید در روابط متقابل سازماندهی می‌شوند. (نعمتی و بزرگمهری، ۱۳۹۰، ۱۴۱)

نقش رسانه به عنوان یک ابزار تاثیرگذار در افکار عمومی و فرهنگ جوامع را، نمی‌توان در پیشبرد اهداف دیپلماسی فرهنگی نادیده گرفت. یکی از نیازهای اساسی کشورها در جهت پیشبرد دیپلماسی فرهنگی، هماهنگی و مکمل بودن آن با رسانه است. رسانه توانسته است در تبیین و ترویج ارزش‌های فرهنگی در سایر کشورها، در توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی و در فراهم آوردن بستر و زمینه‌ای برای مطالعه آداب و رسوم و سنن فرهنگ‌ها نقشی عمده داشته باشد. رسانه با گسترش و توسعه روابط مردم با مردم در جهان می‌تواند باعث اتحاد و یکدلی افکار عمومی جوامع شود و نیز بستر و زمینه‌ای برای آگاه‌سازی نسبت به نقاط مثبت سایر فرهنگ‌ها و نقاط منفی فرهنگ خودی فراهم آورد. رسانه در دیپلماسی فرهنگی و نیز در تبادل فرهنگی، اشاعه فرهنگی و فرهنگ‌پذیری به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی دیپلماسی فرهنگی نقش موثری داشته است و دارد.

در خصوص کارکرد رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کاربردی‌ترین ابزارهای فرهنگی برای غلبه بر فکر و اندیشه باید گفت سینما و تلویزیون ایران به عنوان یکی از مؤثرترین بسترهای معرفی فرهنگ، نقش بسیار مهمی دارند. به ویژه که در این سال‌ها به سرعت رشد کرده و با پرداختن به موضوعات و مضامین انسانی و اسلامی، جای خود را در میان ملل مختلف باز کرده است. سینمای ارزشی پس از انقلاب اسلامی یکی از توانمندترین سینماهاست و موفقیت آن در عرصه جهانی، مدیون سادگی، اخلاص و جنبه‌های ظریف انسانی و ذاتی و در واقع بیان جنبه‌های مثبت بشری است. توانمندسازی و ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها، مستندها و دیگر آثار هنری در موضوعات ارزشی می‌تواند در گسترش جهانی مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی بسیار کارگشا

۲-۲ دیپلماسی علمی و آموزشی

شامل: دانشجویان ایرانی در سایر کشورها، دانشجویان غیر ایرانی مشغول در ایران، دانشجویان اعزامی به المپیادها و مجامع علمی، برپایی همایش ها و کنفرانس های علمی جهانی در ایران، ترجمه متون ایرانی اسلامی، کمک به راه اندازی مراکز کشورشناسی (ایران شناسی و ...) و ایجاد این کرسی در دانشگاه های معتبر جهان در کنار ارائه فرصت های مطالعاتی کوتاه مدت با هدف جذب نخبگان و اصحاب فکر و اندیشه از کشورهای مقصد، برجسته کردن نقش و تأثیر فرهیختگان و دانشمندان تاریخ گذشته و معاصر کشور در پیشرفت علم و ادب در سطح جهان و استفاده از شهرت و محبوبیت آن ها برای اهداف راهبردی دیپلماسی فرهنگی مانند چهره های جهانی و ماندگاری چون مولانا جلال الدین رومی، حافظ، ابن سینا، و ... برنامه های آموزشی بین المللی و همکاری ها و مبادلات علمی و دانشگاهی (استاد و دانشجو)، و غیره؛ همه این اقدامات بخشی از راهبرد دیپلماسی فرهنگی یا اعمال قدرت نرم به شمار می آید. تماس های فرهنگی علمی آموزشی بدون شک تأثیر زیادی در مبارزه با احساسات منفی درباره یک کشور خواهند داشت و توجه به این موارد در دنیا امری رایج است و بسیاری از کشورها از این طریق، حضور خود را در مناطق مختلف جهان پیگیری می کنند و بر اساس اعتقادات و ارزش های خود به فعالیت می پردازند.

به عنوان مثال دانشجویانی که برای ادامه تحصیل در رشته های مختلف علوم به کشور میزبان دعوت می شوند پس از زندگی در آن کشور و آشنایی با فرهنگ و سیاست آنان و برقراری ارتباطات صمیمانه با آنان، پس از بازگشت به کشور خویش و در ادامه زندگی و فعالیت های خویش خود را مدیون آموزش های دریافتی از کشور میزبان دانسته و چهارچوب فکری جامعه آنان را می پذیرند. (مهدوی، ۱۳۹۶، ۱۵)

دیپلماسی علم و فناوری مفهومی جدید در عرصه سیاست خارجی می باشد. در دیپلماسی علم و فناوری سه رویکرد قابل تشخیص است. رویکرد اول استفاده از علم و فناوری به عنوان ابزار دیپلماسی است. به عبارت دیگر علم و فناوری یک وسیله ای در اختیار دستگاه دیپلماسی خواهد بود تا از طریق آن به اهداف سیاست خارجی خود برسد. این رویکرد را می توان در دو دسته تقسیم نمود. استفاده از علم و فناوری به عنوان ابزاری تنبیهی (همانند تحریم ها)، استفاده به عنوان ابزار تشویقی و بهانه ای برای بهبود روابط و در نهایت ایجاد وابستگی که بیشتر در روابط با کشورهای اقمار صورت می پذیرد. رویکرد دوم دیپلماسی برای علم و فناوری است. این رویکرد به معنای

استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک در جهت جذب، رشد و توسعه علم و فناوری کشور می‌باشد. این رویکرد نیز به سه دسته کمک به بازاریابی، تأمین نیازمندی‌های علمی و فناوری کشور و حمایت دیپلماتیک در معاهدات بین‌المللی است. رویکرد سوم در دیپلماسی علم و فناوری، رویکرد قدرت نرم است. به این معنا که از منابع علم و فناوری در جهت اثرگذاری و ایجاد مطلوبیت برای مردم کشورهای دیگر استفاده شود. (معاونت علمی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰)

تأثیرات علم و فناوری بر حوزه سیاست بسیار مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. در نگاه ایشان علم و فناوری یکی از منابع اقتدار جمهوری اسلامی ایران می‌باشد ایشان علم و فناوری را ابزار نظام سلطه برای سلطه‌گری خود می‌دانند و تنها راه مقابله با آن را نیز پیشرفت علم و فناوری می‌دانند. ایران ظرفیت‌های خوبی در حوزه علم و فناوری دارد بخصوص با توجه به پیشرفت‌های حاصل شده در فناوری‌های پیشرفته هم چون نانو، زیست فناوری، هوا و فضا و ... برای داشتن دیپلماسی علم و فناوری موفق باید بتوان ظرفیت‌ها را به خوبی شناخت و از آن‌ها استفاده نمود. (عراقی، ۱۳۹۴، ۱۶۸)

۲-۳ دیپلماسی هنری

شامل: عکس، فیلم، تئاتر، برگزاری هئودمند مسابقات و محافل هنری، و ... حضور مؤثر در مجامع و همایش‌های بین‌المللی در کنار شرکت فعال در رخدادها و جشنواره‌های هنری بین‌المللی (جشنواره‌های بین‌المللی فیلم، داستان، تئاتر و ...) و نیز برگزاری منظم نمایشگاه‌ها، گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌های فرهنگی در کشور مقصد.

هنر با توجه به شناخته شدن به عنوان زبان بین‌المللی و برخورداری از ظرفیت تأثیرگذاری بر افکار، آراء، اندیشه‌ها و عقاید دیگر ملت‌ها، موجبات ارتقای ارتباطات میان فرهنگی و اجرای موفق دیپلماسی فرهنگی و تبیین مفاهیم اسلامی را فراهم می‌آورد. هنر اسلامی با توجه به برخورداری از ویژگی‌هایی چون جذابیت، تفکر برانگیزی، ماندگاری و قابل فهم بودن برای همگان و اثرگذاری بر درک و ذهنیت سایر ملت‌ها می‌تواند در دو عرصه مفهوم سازی و تصویر سازی موجب کارآمدی دیپلماسی فرهنگی گردد. انتقال ارزش‌های دینی و تبیین هویت اسلامی از طریق هنر در دیپلماسی فرهنگی نیازمند توجه به پیش شرط‌هایی چون موقعیت شناسی، مخاطب شناسی و انگاره شناسی و تلاش برای تولید محصولات فرهنگی و هنری متناسب با ذائقه فرهنگی مخاطبان است.

۲-۴ دیپلماسی ورزشی

شامل: برگزاری مسابقات بین المللی ورزشی در ایران، اعزام ورزشکاران ایرانی به مسابقات جهانی، المپیک و غیره می شود. موضوع دیپلماسی ورزش بین حکومت ها، شاید یکی از سابقه دارترین مباحث مطرح دیپلماسی کشورها باشد. به عنوان مثال در ۱۹۵۰ زمانی که روس ها در صدد جلب نظر دولت ایران بودند، از سوی میلتن آیزنهاور رئیس دانشگاه دولتی پنسیلوانیای آمریکا، دعوت نامه ای به دست فدراسیون فوتبال ایران رسید که طی آن از ایران خواسته شد که تیم برتر دانشگاه اش را برای یک بازی دوستانه به ایران اعزام کند. در آن روزها تیم آمریکایی، با دسته های گل مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت. (عراقی، ۱۳۹۴، ۱۶۸) اما بعد از پیروزی انقلاب یکی از مطرح ترین این دیپلماسی، سیاست عدم رویارویی ورزشکاران ایران با اسرائیلی ها در طول سال های گذشته می باشد که باعث انتقال فرهنگ مقاومت و عدم مشروعیت اسرائیل به سراسر جهان گشته است.

۲-۵ دیپلماسی گردشگری

دیپلماسی گردشگری شامل جذب گردشگر خارجی به ایران، اعزام گردشگر ایرانی به کشورهای دیگر و غیره می باشد که عموماً به نقش گردشگری در ایجاد صلح، رونق اقتصادی و افزایش درآمد، خنثی سازی تبلیغاتی منفی خارجی و ... جایگاه دولت در دستیابی به این اهداف اشاره دارد. (رضایی، ۱۳۹۳) با توجه به اینکه گردشگری تعامل فرهنگی میان مردم است، می تواند حامل پیامی برای ایجاد دیپلماسی پایدار و از بین رفتن بسیاری از سوء تفاهات میان ملت ها و دولت ها باشد. برای توسعه گردشگری به عنوان ابزاری جهت پیشبرد مقاصد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه به موارد زیر ضروری است: کم کردن تصدی گری دولت (دولت فقط ناظر باشد)؛ فعال کردن بخش خصوصی؛ اصلاح قوانین ورود و خروج؛ استاندارد سازی خدمات و تسهیلات گردشگری؛ تبلیغات مناسب و گسترده؛ و در نهایت تغییر نوع نگاه دولتمردان به گردشگر و گردشگری به عنوان یک فرصت و نه یک تهدید. (رضایی، ۱۳۹۳)

۲-۶ دیپلماسی مذهبی

شامل: مناسک حج، مراسم اربعین حسینی، مسابقات بین المللی قرآنی، طلاب غیر ایرانی مشغول در ایران، اعزام هدفمند سخنرانان و مبلغین، برپایی همایش ها و کنفرانس های عملی مذهبی جهانی در ایران، ترجمه کتب مذهبی و ... به عنوان نمونه مناسک حج یکی از عرصه های مهم دیپلماسی

فرهنگی مذهبی می باشد. حج علاوه بر جنبه‌های مذهبی و عرفانی، دارای جنبه‌های دیگری، از جمله جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز هست که باید توجه کافی به آن‌ها معطوف داشت. طبیعت حج به دلیل شرکت زائران مسلمان از همه کشورها، شرایط را برای برقراری ارتباط با آن‌ها فراهم می‌کرد. از نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی، همه ساله، پیام مذهبی - سیاسی مفصلی از طرف رهبری انقلاب اسلامی ایران، خطاب به زائران حاضر در مراسم حج داده می‌شود که محتوای آن، تماماً پیام‌های سیاسی انقلاب اسلامی است.

۷-۲ دیپلماسی زبانی

دیپلماسی زبانی به معنای گسترش زبان فارسی در جهان می باشد. در ارتباطات بین فرهنگی یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها زبان است. زبان نقطه آغازین توسعه ابزار ارتباطی و رسانه‌ها تلقی می‌شود. یکی از برجسته‌ترین مولفه تعیین کننده هر فرهنگ زبان و ادبیات آن است. در این میان زبان فارسی در پیوستگی فرهنگی کشورهای منطقه به عنوان پل ارتباطی میان حداقل ده کشور جهان از جمله ایران، پاکستان، ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و افغانستان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. (صالحی و محمدی، ۱۳۸۹، ۱۹۷) استفاده از ظرفیت‌های نهفته در زبان و ادبیات کشور و ترویج آن از طریق تأسیس رشته زبان و ادبیات در دانشگاه‌های مهم جهان و نیز اعطای بورس‌های منظم و مستمر تحصیلی در سطوح عالی کارشناسی ارشد و دکتری زبان فارسی از راه‌های اشاعه فرهنگ و زبان کشور در سطح جهان می باشد. در حوزه دیپلماسی فرهنگی توجه به گسترش زبان یکی از مولفه‌های تاثیر گذار در قدرت نرم می باشد زیرا انتقال مبانی معرفتی و ارزش‌های یک ملت از طریق زبان مشترک به سهولت و آسانی ممکن خواهد شد.

زبان فارسی به لحاظ معانی عمیق و ژرف و ریشه‌های تاریخی و الفاظ سلیس و شیرین، مشتاقان و علاقمندان بسیاری را به خود جلب کرده است تا جایی که شهره و آوازه زبان و ادب فارسی و اشعار بدیع و نغز و پرمغز شاعران نامدار ایرانی چون حافظ، سعدی، عمر خیام، رودکی، جلال الدین رومی و ابوالقاسم فردوسی و ... شرق تا غرب عالم را فراگرفته و همه را شیفته و مجذوب خویش ساخته است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با گروهی از مسئولان، هنرمندان و نویسندگان بر ضرورت فراگیری درست زبان فارسی در انتقال پیام انقلاب اسلامی فرمودند: «امروز به برکت انقلاب اسلامی، در نقاطی از جهان، زبان فارسی به عنوان زبان دوم و یا زبان دانشگاهی

مورد توجه قرار گرفته است و حتی در مناطقی از جهان مانند جزیره العرب، بسیاری از افراد توانسته‌اند از طریق رادیو و تلویزیون ایران، به تدریج زبان فارسی را فرا بگیرند و با آن تکلم کنند. همچنین مسلمانان با آموختن زبان فارسی پیام اسلام را از انقلاب می‌گیرند، و غیرمسلمان نیز با فراگیری زبان فارسی می‌خواهند پیام نو را از امام و پدر این انقلاب دریافت کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲۳)

همچنین در دیدار با مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از زبان فارسی به عنوان یکی از کانال‌های مطمئن فرهنگی یاد می‌کنند و در زمینه ترویج این زبان می‌فرمایند:

«من معتقدم یکی از کانال‌های کاملاً مطمئن فرهنگی ما، زبان فارسی است که باید بتوانیم آن را تأمین و پشتیبانی کنیم تا این زبان رواج پیدا کند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۰/۱۱/۱۷)

زبان و ادبیات فارسی همواره حامل والاترین پیام الهی و انسانی و اندیشه‌های مذهبی، عرفانی و رویدادهای تاریخی، ملی و اصالت‌های فرهنگی و اخلاقی بوده است، زیرا فرهنگ اسلامی در زبان و ادبیات فارسی تبلوری عینی یافته است. بر همین اساس نیز وظیفه حکم می‌کند تا به منظور انتقال آن، زمینه مساعد را برای علاقه‌مندان از سرتاسر جهان فراهم نموده تا ضمن فراگیری علوم و معارف اسلامی، امکان استفاده عمیق از این اندیشه‌های مذهبی، عرفانی و رویدادهای تاریخی، ملی و اخلاقی را نیز داشته باشند. بر همین اساس هر چه بتوان بین محتوا و ویژگی‌های فرهنگی و ابزار انتقال و بیان آن رابطه کامل‌تری برقرار ساخت، امکان انتقال و استفاده بیشتری را فراهم کرده‌ایم.

۳. مؤلفه‌های نهادی - سازمانی

در ادامه پاسخ به سوال چپستی مسیر انتشار و پخش در نظریه هاگر استرند که انواع پخش فرهنگی را در مولفه های روشی مثال زدیم، باید به این سوال نیز پاسخ دهیم که ما موضوع پخش و پیام‌های فرهنگی و ارزشی این انقلاب را از طریق چه نهاد و سازمانی می‌خواهیم به سراسر جهان صادر کنیم؟ در ذیل به بعضی موارد مهم اشاره نمودیم:

۱. استفاده از ظرفیت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛

۲. استفاده از ظرفیت جامعه المصطفی به عنوان یک نهاد بین المللی علمی اسلامی؛

۳. استفاده از ظرفیت مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)؛

۴. استفاده از ظرفیت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛

۵. استفاده از ظرفیت سازمان صدا و سیما به عنوان مهم‌ترین سازمان متولی دیپلماسی رسانه ای؛
۶. استفاده از ظرفیت شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه فرماندهی فعالیت‌های فرهنگی؛
۷. استفاده از ظرفیت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری؛
۸. استفاده از ظرفیت بنیاد سعدی؛
۹. استفاده از ظرفیت سایر وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌های مرتبط (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت ورزش و جوانان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی ایرانیان خارج از کشور و ...)
۱۰. استفاده از ظرفیت وزارت امور خارجه به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد متولی دیپلماسی؛
۱۱. استفاده از مراکز و نمایندگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سایر کشورها؛
۱۲. استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی (یونسکو، آی‌سیکو، و ...)
۱۳. استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی (هلال احمر، کمیته امداد، انجمن‌های دوستی و ...): (قربانی و محمدی، ۱۳۹۶، ۲۱)

۴. مؤلفه‌های کنشگری - کارگزاری

زبان دیپلماسی فرهنگی مبتنی بر اقناع است و مخاطبان آن نیز گروه‌های مختلف انسانی در سراسر جهان هستند؛ لذا کارگزاران این مهم باید کسانی باشند که ضمن برخورداری از دانش کافی و مبسوط در مورد زوایای فرهنگ و تمدن کشور خود، به زبان و فرهنگ مخاطبان و همچنین فنون و مهارت‌های دیپلماسی مبتنی بر احترام متقابل و افزون بر آن‌ها ابزارهای نوین برقراری روابط انسانی کاملاً آشنا و مسلط باشند. دیپلماسی فرهنگی کارآمد مستلزم و نیازمند کارگزاران فرهنگی حرفه‌ای است که آموزش تخصصی دیده باشند و فرهنگ ایران و جامعه مقصد را به خوبی بشناسند و به ماهیت و اهمیت قدرت نرم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باور داشته و مومن و متعهد باشند. (حاجیانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۳، ۸۵) در جواب این سوال که ما این پیام‌ها و ارزش‌های انقلاب را به وسیله چه کسانی می‌خوانیم به جهان انتقال دهیم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. جذب و بکارگیری دیپلمات‌های فرهنگی متخصص و متعهد؛

۲. تربیت نیروی انسانی کارآمد جهت انجام دیپلماسی فرهنگی در حوزه های گوناگون؛
۳. بهره برداری از ظرفیت ایرانیان مقیم خارج از کشور به ویژه اساتید و دانشجویان ایرانی؛
۴. فعال سازی مناسب نخبگان هوادار و همسو با نظام جمهوری اسلامی ایران؛
۵. بهره برداری از ظرفیت ورزشکاران اعزامی به مسابقات جهانی؛
۶. بهره برداری از ظرفیت اساتید حوزه و دانشگاه؛
۷. بهره برداری از ظرفیت هنرمندان، نویسندگان، فیلمنامه نویسان، کارگردانان؛
۸. بهره برداری از ظرفیت بانوان دانشمند و متفکر ایران اسلامی؛
۹. بهره برداری از ظرفیت فارغ التحصیلان و دانشجویان غیرایرانی دانشگاه های ایران.
۱۰. بهره برداری از ظرفیت فارغ التحصیلان و دانش پژوهان غیرایرانی حوزه های علمیه ایران.

البته همه این موارد بایست در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی و انتقال مفاهیم ارزشی و بینشی صورت پذیرد و در غیر این صورت هدف ما که همان گسترش ارزش های انقلاب می باشد تحقق پیدا نخواهد کرد. شایسته است که جمهوری اسلامی ایران با همراهی همه نهادهای متولی در امور فرهنگی در کاری نه موازی هم، بلکه تکمیل کننده یکدیگر، با طراحی و تمشیت لازم در راستای تحقق مولفه های فوق اقدام نمایند. زیرا عرصه دیپلماسی و خصوصاً دیپلماسی فرهنگی یکی از عرصه هایی است که ظرفیت های لازم و بنیادینی برای انتقال مفاهیم انقلاب اسلامی در روابط فرهنگی بین المللی دارد. انقلاب اسلامی ایران با دارا بودن ظرفیت های بسیار فرهنگی اثرگذار، این امکان را دارد که فرهنگ و ارزش های انقلاب اسلامی خود را به عنوان الگوی جایگزین فرهنگ لیبرالیستی در جهان و نیز فرهنگ اسلام غیر انقلابی در جوامع مسلمان مطرح کند.

یکی از مسئولیت های اساسی مدیریت کلان کشور، پیشبرد سیاست های خارجی در سطح بین الملل است. تصویر منفی ترسیم شده از ایران و سیاه نمایی هایی که به واسطه قدرت رسانه ای که عموماً در اختیار قدرت های سلطه گر است، باعث شده تا برای مقابله با آن استفاده از توانایی ها و ظرفیت دیپلماسی فرهنگی کشور بیشتر احساس شده و مد نظر قرار گیرد. امروزه ثابت شده است که با استفاده از دیپلماسی فرهنگی به طور مؤثرتری می توان در عرصه بین الملل نقش آفرینی کرد. بنابراین، تدوین و تنظیم یک دیپلماسی فرهنگی کارآمد می تواند کشور را در جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود و دستیابی به منافع ملی یاری رساند.

(دهشیری، ۱۳۹۳، ۱۱) با توجه به شرایط و وضعیت خاص سیاسی کشور و نگاه منفی به ایران در اثر تحولات سیاسی و مذهبی منطقه، هویت و فرهنگ ایرانی امنیتی شده است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران باید در قالب دیپلماسی فرهنگی باز و شفاف تلاش نماید تا از فرهنگ و هویت ایرانی امنیت‌زدایی کند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ۱۰۴) به نظر می‌رسد بازیابی جایگاه تمدنی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین الملل با استفاده از ظرفیت های دیپلماسی فرهنگی، می‌تواند در بهبود وضعیت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی کشور در عرصه بین الملل بسیار مهم و راه‌گشا باشد و این مهم با اتخاذ استراتژی کارآمد دیپلماسی فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود. به عبارت دیگر برخورد فعالانه نسبت به اصلاح تصویر نادرستی که از ایران در عرصه بین الملل وجود دارد و داشتن یک برنامه استراتژیک برای دیپلماسی فرهنگی کشور و ترسیم نقشه راه روابط فرهنگی بین المللی ایران، فرصت‌های گوناگون گسترش جهانی مبانی و ارزش های انقلاب را میسر خواهد کرد و کشور را در پیشرفت و توسعه زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در داخل و سراسر جهان یاری خواهد نمود. "البته توسعه و گسترش جهانی یک فرهنگ نیازمند قبول و جذب افراد جامعه مقصد از یک سو و آموزش مستمر آن‌ها از سوی دیگر است. این قبول و جذب در صورتی رخ می‌دهد که افراد آگاهانه آن را بپذیرند و برای خود سودمند بدانند." (احمدی، ۱۳۹۷، ۱۳۳)

نتیجه‌گیری

انقلاب مردمی ایران در سال ۱۳۵۷ برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی ره مبتنی بر اسلام سیاسی و نظام سیاسی ولایت فقیه با رویکردی جهانی و آرمان جامعه مهدوی می‌باشد. ارزش ها و فرهنگ انقلاب اسلامی با ویژگی های جهان‌شمولی همچون حاکمیت الهی، عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، برادری و برابری انسان‌ها، مردم‌سالاری دینی، استکبار و ظلم ستیزی، دفاع از مظلومان و مستضعفان در صدد ایجاد نظم نوین جهانی می‌باشد. واقعیت آن است که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در صورتی به کامیابی و موفقیت شایسته و بایسته خواهد رسید که با رویکرد ایجاد تمدنی جدید به روابط فرهنگی بین المللی نگاه نماید. این رویکرد بر معرفی اندیشه، فرهنگ و تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران استوار است که اگر از مدیریت لازم برخوردار باشد می‌تواند با تکیه بر حکمت نظری و عملی اسلام، ضمن جریان‌سازی فکری و ارزشی، پویایی تمدن اسلامی را

بر اساس پیوند عقلانیت و معنویت به تدریج متجلی سازد و موفقیت‌های هر چه بیشتری را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه بیاورد و بر گسترش این ارزش‌ها در جهان بیافزاید. این نگاه تمدنی برگرفته از آینده‌نگری نگاه بنیان‌گذار کبیر انقلاب می باشد آنجا که فرمودند:

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.» (صحیفه؛ ۲۱، ۳۲۷)

این تمدن زمانی ایجاد خواهد شد که ما بدانیم در دیپلماسی فرهنگی خود چه ارزش و بینشی را با چه روش و برنامه‌ای توسط چه نهاد و سازمانی با کدام کنشگر و کارگزاری، در جهان گسترش بدهیم که در این مقاله به اختصار به تبیین این امر پرداخته شد و بیان شد که ارزش‌ها و فرهنگ انقلاب اسلامی با ویژگی‌های جهان‌شمولی همچون حاکمیت الهی، عدالت-خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، برادری و برابری انسان‌ها، مردم‌سالاری دینی، استکبار و ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلومان و مستضعفان؛ از طریق ابزارهای مختلف دیپلماسی فرهنگی مانند دیپلماسی: رسانه‌ای، علمی، آموزشی، هنری، ورزشی، گردشگری، مذهبی و زبانی؛ با استفاده از ظرفیت سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای مختلف متولی امر فرهنگ همچون: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ جامعه المصطفی؛ مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و ...؛ و به کارگیری نیروی انسانی کارآمد در بخش‌های مختلف همچون دیپلمات‌های متخصص، متعهد و آموزش دیده، نخبگان همسو با انقلاب اسلامی ایران، بهره‌برداری از ظرفیت فارغ التحصیلان و دانش‌پژوهان ایرانی و غیرایرانی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه؛ می‌تواند در جهان امروز نشر و گسترش یابد و جایگزین فرهنگ لیبرالیسی غرب گردد. فعالیت عمده نیروهای مقابل انقلاب اسلامی مخدوش نمودن چهره انقلاب اسلامی ایران می‌باشد و این تصویرهای ارائه شده از انقلاب است که مورد ارزیابی مردم جهان قرار می‌گیرد نه واقعیت انقلاب اسلامی ایران. بنابراین جمهوری اسلامی نیز باید برای صدور ارزش‌های انقلاب در

جهت تصویرسازی حرکت کند تا تصویرهای اشتباه ساخته شده از خود را از بین ببرد و آن را با تصویر حقیقی خود جایگزین کند و این امر با یک کار تدریجی مستمر در حوزه دیپلماسی عمومی و فرهنگی محقق خواهد شد. اثرگذاری پایدار و گسترش جهانی و فراگیر ارزش های انقلاب اسلامی ایران که از اهداف دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران می باشد مستلزم شناخت شرایط جوامع هدف و تأمین نرم افزاری در عرصه آموزش و برنامه های هنری، فرهنگی، مذهبی، رسانه ای و ... است. تا به امروز در مورد صدور انقلاب مرجع خاصی برای سیاست گذاری و هماهنگی فعالیت ها و هدایت آن وجود نداشته است و نهادها سازمان ها و وزارتخانه های مختلفی در این زمینه فعالیت کرده اند از جمله: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، وزارت بازرگانی، وزارت جهاد سازندگی، وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حوزه های علمیه، جامعه المصطفی، صداوسیما، مرکز ملی گفتگوی تمدن ها، مجمع جهانی اهل بیت، مجمع تقریب مذاهب؛ که هر یک به نوبه خود و با امکانات و قابلیت ها و ابزارهایی که در اختیار داشتند به نوعی در جهت صدور انقلاب گام بر می دارند. (حشمت زاده ۱۳۸۵، ۳۰۲) لذا شایسته است یک نهاد یا ستادی وظیفه تصمیم گیری و هماهنگی بین این نهادها را به عهده گرفته و فعالیت های انجام شده را رصد و منظم نماید.

منابع

۱. احمدی ریحانه، ۱۳۹۷، *اصول دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها*، تهران، ادیبان روز
۲. اژدری لیلا، *فرهنگی علی اکبر*، تابستان ۱۳۹۶، *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، سال هیجدهم، شماره ۷۰
۳. برزگر، ابراهیم، ۱۳۹۱، *نظریه های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۹
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان، هنرمندان و نویسندگان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مورخ ۱۳۷۷/۲/۲۳
۶. بیانات مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۷

۷. حاجیانی ابراهیم و ایرانشاهی حامد، ۱۳۹۳، *درآمدی بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات موسسه ابرار معاصر
۸. حشمت زاده محمد باقر، ۱۳۸۵، *تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۹. دهشیری محمدرضا، ۱۳۹۳، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. تهران، انتشارات علمی فرهنگی
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۸۹، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس*، فصلنامه دانش سیاست، ص ۱۰۴
۱۱. رضایی ناصر، ۱۳۹۳، *سهم و نقش دولت و دیپلماسی در گردشگری، روزنامه دنیای اقتصاد*، ۱۳۹۳/۹/۱۷
۱۲. سلطانی فر محمد و خانزاده لیلا، ۱۳۹۲، *دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌شناسی و راهبردها)*، دوره ۱۴، شماره ۵۴
۱۳. صالحی امیری سیدرضا و محمدی سعید، ۱۳۸۹، *دیپلماسی فرهنگی*، چاپ دوم، تهران، نشر ققنوس
۱۴. صالحی امیری سیدرضا و محمدی سعید، ۱۳۸۹، *دیپلماسی فرهنگی*، چاپ دوم، تهران، نشر ققنوس
۱۵. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۶، *صحیفه نور*، تهران، انتشارات عروج (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)
۱۶. عراقی غلامرضا، ۱۳۹۴، *نقش دیپلماسی فرهنگی در صدور انقلاب اسلامی ایران*، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۴
۱۷. قربانی گلشن آباد محمد و محمدی منوچهر، ۱۳۹۶، *مؤلفه های دیپلماسی فرهنگی در جمهوری اسلامی*، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۲، ص ۲۷ تا ۴۴
۱۸. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، *بررسی مفهومی دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران*، www.stemcell.ir
۱۹. مهدوی بی‌تا، ۱۳۹۶، *جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران،

دانش نگار

۲۰. نعمتی فاطمه، بزرگمهری مجید، ۱۳۹۰، تأثیر دیپلماسی رسانه ای بر سیاست خارجی: تبیین

راهکارها، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۷

21. Cummings Milton. C. 2003. Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey. Washington DC: Centre for Arts and Culture.

22. Khamenaei.ir

